

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

داکتر امین الدین «سعیدی - سعید افغانی»

۲۰ اپریل ۲۰۲۵

بسم الله الرحمن الرحيم



ترجمه و تفسیر سوره النساء

جزء ۴، ۵، ۶ - ۲۰

سورة النساء/ جزء ۴، ۵، ۶

سورة نساء در مدینه نازل شده، دارای یکصد و هفتاد و شش آیه و بیست و چهار رکوع است.

فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَىٰ هَؤُلَاءِ شَهِيدًا (۴۱)

پس حال آنها چگونه است، آن روزی که از هر امتی و گواهی (بر اعمالشان) می آوریم، و تو را (نیز ای محمد) بر آنان (امت مسلمان) گواه بیاوریم. (۴۱)

تشریح لغات و اصطلاحات:

«کیف»: چگونه؟ «شهِيداً»: گواه.

تفسیر:

در تعقیب آیات گذشته که در مورد مجازاتها و مکافات بدکاران و نیکوکاران سخن می گفت، این آیت مبارکه اشاره به مسأله شهود و گواهان روز قیامت و آخرت کرده، می فرماید: «فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَىٰ هَؤُلَاءِ شَهِيدًا»: حال این افراد چگونه خواهد بود آن روز که برای هر امتی شاهد بر اعمال آنها می آوریم و

تو را شاهد بر آنان خواهیم آورد یعنی: ای محمد صلی الله علیه وسلم! تو را بر کسانی که پیام الهی را به آنان ابلاغ کرده‌ای، گواه می‌آوریم تا بر مؤمنان به‌ایمانشان، بر کافران به کفرشان و بر منافقان به نفاقشان گواهی دهی.

در حدیث شریف به روایت ابن‌مسعود (رض) آمده است که گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم به من فرمودند: «بر من قرآن بخوان! گفتیم: یا رسول الله، من بر شما قرآن بخوانم در حالی که قرآن بر شما نازل شده است؟ فرمودند: آری! من دوست دارم که قرآن را از دیگران بشنوم. پس سوره «نساء» را خواندم تا چون به این آیت رسیدم: «فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَىٰ هَؤُلَاءِ شَهِيدًا»-۴۱: فرمودند: دیگر کافی است. در این اثنا متوجه شدم که چشمان آنحضرت صلی الله علیه وسلم از اشک لبریز شده است».

حکمت و فلسفه مطرح کردن موضوع شهادت در روز جزا این است که انسانها به اعمال نیک مبادرات نمایند و از اعمال بد و خلاف شرع و خلاف مقام انسان و انسانیت امتناع و دست بردارند، و ایجاد این احساس در وجود انسانها موجب سرفرازی و سربلندی نیکان و سرشکستگی و افتضاح بدان تأثیر بسزائی دارد و در نتیجه در ترغیب به انجام حسنات و بازداشتن از سیئات و گناهان تأثیر مثبت برجای می‌گزارد.

يَوْمَئِذٍ يَوْمَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَعَصُوا الرَّسُولَ لَوْ تَسَوَّىٰ بِهِمُ الْأَرْضُ وَلَا يَكْتُمُونَ اللَّهَ حَدِيثًا (۴۲)

در آن روز کسانی که کافر شدند و با پیامبر صلی الله علیه وسلم به مخالفت برخاستند، آرزو می‌کنند که ای کاش زمین بر آنها هموار گردد (در زمین فرو روند) و نمی‌توانند هیچ سخنی را از الله پنهان کنند. (۴۲)

تشریح لغات و اصطلاحات:

«لَوْ تَسَوَّىٰ بِهِمُ الْأَرْضُ»: ای کاش با خاک یکسان می‌شدند! ای کاش هم چون زمین، خاک می‌بودند! ای کاش زمین بر آنها هموار و صاف می‌شد. تسوی (سوی): یکسان و هموار می‌شود. «حَدِيثًا»: سخنی، گفته‌ای.

تفسیر:

«يَوْمَئِذٍ يَوْمَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَعَصُوا الرَّسُولَ»: در آن روز هولناک، نابکاران که یگانگی خدا را انکار کرده‌اند و از فرمان پیامبر صلی الله علیه وسلم سر باز زده‌اند، آرزو می‌کنند.

«لَوْ تَسَوَّىٰ بِهِمُ الْأَرْضُ»: که در زمین دفن گردند و مانند مردگان با خاک یکسان شوند. یا ای کاش! زمین دهن باز کند و آنان را فرو بلعیده و خاک شوند. خداوند در جای دیگری می‌فرماید: يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ وَ يَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا: در آن روز انسان به آنچه با دست خود از پیش فرستاده است می‌نگرد و کافر می‌گوید: ای کاش! خاک می‌شدم؛ چون آنها حالت های هول انگیز روز قیامت را مشاهده می‌کنند.

«وَلَا يَكْتُمُونَ اللَّهَ حَدِيثًا (۴۲)»: نمی‌توانند هیچ سخنی را از الله پنهان کنند؛ چون اعضایشان بر اعمالشان گواهی می‌دهد. بلکه رازهایشان همه بر وی آشکار و ارائه شده است و سخنانی که در میان خویش ردوبدل کرده‌اند، به نزد وی معلوم است و بر نهان کردن آن از آن رو توانا نیستند که اندامهایشان بر ضدشان گواهی می‌دهد.

خوانندگان محترم!

موضوع مطروحه در آیت مبارکه (۴۳) عبارت است:

برخی از شروط نماز، رخصت تیمم. خداوند متعال در آیات قبلی مردم را از شرک منع کرد، به امتثال امر حق تشویق نمود و از کار ناروا بازداشت.

اینک در آیت (۴۳) موضوع این که در حال مستی و جنابت از نمازی که نشان بندگی خدای یگانه بی نیاز است، منع می کند. این خطاب پیش از تحریم قطعی و همیشگی شراب برای مسلمانان بود.

قابل یادآوری است که: این دومین حکم درباره شراب است. اولین حکم در این باره همان بود که در (آیت ۲۱۹ سوره بقره) به بیان گرفته شده است. در این آیت مبارکه تنها به گفتن این اکتفا شده بود که شراب چیز بدی است و مورد پسند خدا نیست. چنان که گروهی از همان زمان نوشیدن شراب را رها کردند. اما گروهی دیگر طبق معمول به نوشیدن آن ادامه می دادند و حتی گاهی در همان حال مستی به نماز می ایستادند و در قرائت کلمات قرآن را جابه جا می خواندند. به احتمال قوی در آغاز سال چهارم هجری دومین حکم درباره شراب آمد و از خواندن نماز در حال مستی ممانعت به عمل آمد. در اثر این مردم اوقات نوشیدن شرابشان را تغییر دادند و از نوشیدن آن در زمان هائی که امکان آن می رفت وقت نماز در حال مستی فرا رسد پرهیز کردند. مدتی پس از آن حکم قطعی حرمت شراب که در (آیت های ۹۰-۹۱ سوره مائده) قرار دارد نازل شد.

در ضمن قابل تذکر که در آیت کلمه «سکر» یعنی نشئه و مستی به کار رفته است. از این رو این حکم مخصوص شراب نبوده بلکه شامل هر چیز نشئه آوری هم می شود.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ وَلَا جُنُبًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّى تَغْتَسِلُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَى أَوْ عَلَى سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُم مِّنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُورًا غَفُورًا (۴۳)

ای کسانی که ایمان آورده اید، در حال مستی و نشئه به نماز نزدیک مشوید، تا وقتی که بدانید چه می گوئید، و در حال جنابت به نماز نزدیک مشوید (در حال جنابت در مسجد داخل نشوید) مگر این که عبور نمائید (از مسجد) تا آن که غسل کنید و اگر مریض باشید، و یا مسافر باشید، یا یکی از شما از قضای حاجت آمد، یا با زنان هم بستری کرده باشید و آب نیافتید پس تیمم کنید بر زمین (خاک) پاک، پس مسح کنید به آن روی ها و دست های خود را، بی گمان الله عفو کننده (و) آمرزنده است. (۴۳)

تشریح لغات واصطلاحات:

«لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ»: نزدیک نماز نشوید، نماز بخوانید. «أَنْتُمْ سُكَارَى»: جمع سکران، در حال مستی، مستان، هوش از دست دادگان. «و لَا جُنُبًا»: ای لا تُصَلُّوا جنبا، در حال جنابت نماز بخوانید. «عَابِرِي السَّبِيلِ»: مگر عبوری یا مسافر باشید که در وقت نبودن آب، تیمم کنید. عابری ← عابرين: جمع عابر، عبور کنندگان. برخی گویند: لا تقربوا مواضع الصلوة، ای المساجد: در وقت جنابت وارد مسجد نشوید، مگر نیاز باشد، آنگاه عبور کنید. «مرضی»: جمع مریض، مریضان. «الغائط»: قضای حاجت، زمین پست، گود و هموار. «لامستم النساء»: با زنان نزدیکی کردید و همبستر شدید، لمس کردن در این آیت، کنایه از همخوابگی است. «صعيداً»: روی زمین، زمین مرتفع، سطح زمین، گرد و خاک. «عفوراً»: بسیار محو و پاک کننده، کسی که چشم پوشی و صرف نظر کند. «غفوراً»: بسیار آمرزنده، در گذرنده، بخشنده. (فرقان)

شان نزول آیت مبارکه:

ترمذی از حضرت علی کرم الله وجهه روایت کرده است وی گفت: عبد الرحمن بن عوف برای ما ضیافتی ترتیب داده بود و ما را دعوت نمود و به ما شراب داد. مست شدیم وقت نماز فرارسید، امامت نماز را به من وادار شدند،

من هم چنین خواندم: «قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ أَعْبُدُوا مَا تَعْبُدُونَ* و نحن نعبد ما تعبدون» آنگاه آیت «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَ أَنْتُمْ سُكَارَى» از جانب خدا نازل شد. (ترمذی گفته است: این حدیث حسن صحیح است).

تفسیر:

«یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَ أَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ»: در حالت مستی نماز نخوانید؛ چون در چنین حالتی خشوع و خضوع فراهم نمی شود. یعنی: در حال مستی نماز نخوانید، یا در این حال به مساجد داخل نشوید.

تا زمانی که اثر سکر و مستی از شما برطرف شود و بدانید که چه می‌گوئید زیرا شخص مست نمی‌داند که چه می‌گوید. این خود می‌رساند که هدف عبادت، فقط با آن عبادتی برآورده می‌شود که عبادتی خاشعانه باشد. خاطر نشان می‌شود که این آیت ناظر بر مرحله سوم از مراحل تحریم شراب است، سپس در چهارمین مرحله (در سوره مانده) هرگونه شراب مستی‌آوری به کلی حرام گردید، «وَ لَا جُنْبًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّى تَغْتَسِلُوا» یعنی در حالت جنابت نماز نخوانید.

جنب: کسی است که به وی جنابت رسیده است و جنابت، اثر هر مقاربت جنسی، یا انزالی است، چه همراه با احتلام باشد، یا بدون آن مگر این که مسافر باشید و آب فراهم نشود، در این صورت با تیمم نماز را بخوانید.

مفسر «تفسیر انوار القرآن» می نویسد: البته این تفسیر، ناظر بر نحوه فهم احناف از آیت کریمه است. اما بعضی گفته‌اند: معنی این است که در حال جنابت به مواضع نماز، یعنی به مساجد نزدیک نشوید، مگر این که از یک سوی مسجد به سوی دیگر آن در حال گذر باشید زیرا در نزد جمهور فقها (أبوحنیفه، مالک و شافعی رحمت الله علیهما جمیعاً) جنب (کسی که بروی غسل لازم باشد) می‌تواند از مسجد گذر کند، اما نمی‌تواند در آن بنشیند زیرا درنگ کردن وی در مسجد حرام است تا آن که غسل نموده یا در صورت عدم وجود آب، تیمم کند. اما امام احمدبن حنبل درنگ نمودن جنب در مسجد را در صورتی که با وضوء باشد، جایز می‌داند.

«وَ إِنْ كُنْتُمْ مَرْضَى أَوْ عَلَى سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُم مِّنَ الْغَائِطِ»: یعنی اگر مریض باشید و استعمال آب برایتان زیان بخش باشد یا در سفر باشید یا به سبب ادرار یا مدفوع و امثال آنها حدث عارض (وضوء بشکند) شود و آب نیافتید، «أَوْ عَلَى سَفَرٍ» این قید مفید معنی جواز تیمم برای هرکسی است که اطلاق اسم مسافر بر وی صادق است و این شرط نیست که سفر، سفر قصر (کوتاه کننده نماز) باشد. بعضی گفته‌اند: در صورت عدم وجود آب، فرد مقیم نیز می‌تواند تیمم کند.

«أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُم مِّنَ الْغَائِطِ»: کنایه از ادرار و مدفوعی است که از انسان خارج می‌شود «أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ» این عباس (رض) است: «لمس» عبارت است از عمل نزدیکی.

با بوسیدن و دست‌مالی، یا تماس دادن غیر آن از بدن آنان با هدف برآوردن شهوت و بهره‌گیری و لذت‌جویی جنسی. مذهب امام أبوحنیفه (رح) این است که مراد از آن فقط جماع (مقاربت) است.

این جریر طبری می‌فرماید: «این رأی به صواب اولی است، به دلیل صحت این خبر و آمده از رسول اکرم صلی الله علیه و سلم که ایشان بعضی از زنان خویش را می‌بوسیدند و سپس نماز می‌خواندند، بی‌آن که وضو بگیرند». ابن‌کثیر نیز این رأی را ترجیح داده است.

«قَلَّمْ تَجِدُوا مَاءً» برای پاک نمودن خود آب نیافتید، در نزدیکی خود بعد از جست و جوی آن، یا این که استعمال آب برای شما زیان داشت، یا مانعی دیگر چون دشمن، یا درنده، یا مریضی، یا عدم وجود ابزار آب‌کشی، شما را از

دسترسی به آب باز می‌داشت، «فَتَيَمَّمُوا صَعِيداً طَيِّباً فَاَمْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَ أَيْدِيكُمْ»: آنگاه در موقع نیافتن آب، خاک پاک را بیابید و خود را با آن پاک نمائید. صورت و دست‌ها را با آن خاک مسح کنید.

«برصعید پاک» صعید: روی زمین است، چه بر آن خاکی باشد، یا نباشد. به سطح زمین صعید گفتند زیرا سطح زمین آخرین قسمتی از آن است که بر آن صعود می‌کند و این مذهب مالک است. ولی شافعی و احمد بن حنبل بر آنند که صعید فقط خاک است، پس تیمم جز بر خاک بر چیز دیگری روا نیست، لذا تیمم بر صخره سنگ و سنگریزه جایز نیست. اما ابوحنیفه می‌گوید: تیمم بر هر چیزی صحیح است که از جنس خاک باشد، مانند سنگریزه، آهک و زرنیخ.

معذوریت از استعمال آب به سه صورت توضیح شده: (۱) مریضی که آب به آن زیان رساند؛ (۲) در حال سفر، که آنقدر آب داشته باشد که اگر وضو نماید، اندیشهٔ هلاکت از تشنگی باشد و تا مسافه‌ای دراز آب میسر نشود؛ (۳) در حالی که آب قطعاً موجود نباشد، با فقدان آب، دو نوع طهارت بیان شده است: کسی که بعد از قضای حاجت به وضو ضرورت دارد؛ و کسی که بعد از مباشرت با زوجه‌اش به غسل ضرورت دارد.

کیفیت تیمم این است که: شخص هر دو کف دست خویش را به زمین زده، آنگاه آنها را طوری بر روی خود بکشد که تمام روی وی را در بر گیرد و بار دوم هر دو کف دست خویش را به زمین زده و با دست راست، دست چپ خویش را از سر انگشتان تا انتهای آرنج مسح کند و باز با دست چپ، دست راست خود را همین‌گونه مسح نماید، طوری که هیچ بخشی از دستان وی تا آرنج بدون مسح باقی نماند.

«إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُوراً غَفُوراً (۴۳)»: چنان‌که بر شما عفو کرد و کوتاهی و تقصیر شما را در این موارد آمرزید و با رخصت دادن در تیمم و فراخ ساختن عرصهٔ تکلیف، بر شما رحم نمود بنابراین، شما می‌توانید در هنگام وجود عذر، بدون وضوء یا غسل نماز بخوانید.

در حدیث شریف آمده است که رسول اکرم ص فرمودند: «بر اُمتهای دیگر به سه چیز برتری داده شده‌ایم: اول این که صفوف ما در نماز مانند صفوف فرشتگان گردانیده شد. دوم این که همهٔ عرصه زمین برای ما مسجد گردانیده شد. و سوم این که خاک زمین برای ما پاک‌کننده گردانیده شد - هر گاه که آب نیافتیم».

شان نزول مشروعیّت تیمم:

بخاری از عائشه (رض) روایت کرده است که فرمود: «با رسول الله صلی الله علیه وسلم در سفری بیرون رفتیم و چون به بیابان، یا به «ذات الجیش» رسیدیم، گردن‌بند من پاره شد، پس رسول الله صلی الله علیه وسلم درنگ کردند تا گردن‌بند من پیدا شود، مردم نیز همراهشان درنگ کردند و در آن بیابان نه آبی بود و نه هم با ما آبی وجود داشت، در این هنگام مردم نزد ابوبکر پدرم رفتند و گفتند: آیا نمی‌بینی که عائشه چه کرد؟ رسول الله صلی الله علیه وسلم و مردم را معطل ساخت، در حالی که در اینجا نه آبی است و نه مردم آبی به همراه دارند؟! پس در حالی که رسول الله صلی الله علیه وسلم سرشان را بر زانویم نهاده و به خواب رفته بودند، ابوبکر (رض) آمد و سر زنش‌کنان به من گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم و مردم را معطل ساخته‌ای در حالی که نه در اینجا آبی است و نه آنها آبی به همراه دارند؟! و همین‌گونه به سرزنش ادامه می‌داد و می‌گفت آنچه خدا خواسته بود که بگوید، آنگاه شروع به زدن در پشت من کرد و چیزی جز خواب رسول الله صلی الله علیه وسلم بر روی زانویم مرا از تحرک باز نمی‌داشت. در این اثنا رسول الله صلی الله علیه وسلم از خواب برخاستند و حق تعالی آیت تیمم را نازل کرد و مسلمانان همه تیمم

کردند. هم در این وقت اسیدبن حضیر گفت: ای خانواده ابوبکر! این اولین برکت شما نیست. آنگاه شتری را که من سوار آن بودم از جا به حرکت درآوردم و گردن بند خود را در زیر آن یافتم».

سایر روایت در شأن نزول این آیت مبارکه:

۲۸۶- ک: فریابی، ابن ابوحاتم و ابن منذر از علی (روایت کرده اند: این کلام خدا چُنْباً در مورد مسافری که جنب شده است نازل گردیده مسافر در آن حالت باید تیمم کند و نماز را آداء نماید.

۲۸۷- ابن مردویه از اسلع بن شریک (روایت کرده است: من شتر پیامبر) را آماده می‌کردم. در یک شب سرد من جنب شدم. ترسیدم اگر با آب سرد غسل نمایم بمیرم و یا مریض شوم جریان را برای پیامبر صلی الله علیه وسلم گفتم. پس الله متعال آیت: « لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى » را تا آخر آیت نازل کرد.

۲۸۸- ک: طبرانی از اسلع (روایت کرده است: من خدمت رسول الله صلی الله علیه وسلم) را انجام می‌دادم و شترش را آماده می‌کردم. یک روز فرمود: ای اسلع برخیز شتر مرا آماده کن، گفتم: ای رسول الله! برای من جنابت پیش آمده است. رسول خدا سکوت اختیار کرد. پس جبرئیل امین آیت صعید را فرود آورد. رسول الله فرمود: ای اسلع اینک برخیز و تیمم کن، پس تیمم را به من آموخت، من برخاستم و تیمم کردم، و شتر مبارک را آماده ساختم (طبری ۹۶۴۲ و ۹۶۴۳، بیهقی ۱ / ۶، طبرانی ۷۹۵۹ از اسلع روایت کرده اند).

۲۸۹- ابن جریر از یزید بن ابوحیب روایت کرده است: در خانه جمعی از أنصار به مسجد گشوده می‌شد. هرگاه جنابت برایشان پیش می‌آمد و نزدشان آب موجود نبود، برای دستیابی به آب به جز مسجد راه دیگری نداشتند. پس «وَلَا جُنْبًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ» نازل شد (طبری ۹۵۶۹).

۲۹۰- ابن ابوحاتم از مجاهد روایت کرده است: مردی از أنصار مریض شد و توان ایستادن و وضوء کردن نداشت. خدمتکار هم نداشت که به او آب بدهد. جریان را به گوش رسول الله رساند. پس خدای بزرگ « وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَى » را نازل کرد.

۲۹۱- ابن جریر از ابراهیم نخعی روایت کرده است: تعدادی از أصحاب رسول الله بشدت زخمی شدند و در این حال به آن‌ها جنابت دست داد. جریان را برای رسول الله گفتند. پس « وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَى ... » تا آخر آیت نازل شد (طبری ۹۶۳۹ به قسم مرسل روایت کرده است). (به نقل از کتاب أسباب نزول آیات قرآن کریم: جلال الدین سیوطی)

احکام مندرج فقهی در آیت متبرکه:

اولین فهم فقهی که از این آیت متبرکه به دست می‌آید، تحریم خواندن و نزدیک شدن به نماز در حال سکران است. معنای سکر درسه قاموس عربی چنین توضیح یافته است: «سکر: أصل واحد يدل على حيرة: مقابيس اللغه»، «السکر: حاله تعرض بين المرء و عقله و اکثر ما يستعمل ذلك في الشراب، مفردات القرآن»، «والسکر: نقیض الصحو. والسکر ثلاثة: سکر الشباب وسکر المال وسکر السلطان، لسان العرب» همان طور که مفردات قرآن اشاره کرده، سکر هر حالتی است که ارتباط بین عقل و انسان قطع شود و چون این امر معمولاً در هنگام مستی شراب اتفاق می‌افتد، اکثراً به سکر شراب اطلاق می‌شود.

در این حکم قرآنی هوشیاری و تسلط عقل بر بدن در زمان اقامه نماز است تا شخص متوجه آنچه می گوید باشد، در مواقع مستی، شوک، ایسترس، عصبیت یا هیجان شدید و سایر حالاتی که شخص متوجه گفتار و رفتار خود نیست، نباید به نماز نزدیک شد و باید صبر کرد تا بدن حالت طبیعی خود را بازیابد.

حکمت و فلسفه آن معلوم است، نماز صحبت بنده و راز و نیاز با الله است، این اتصال و راز و نیاز باید در هوشیاری کامل صورت گیرد، و انسان که در حال سکران باشد، نمی شود که به هدف و جوهر حقیقی دست یافت.

«لا تقربوا الصلاة» دو قرب و نزدیکی به نماز است: ۱- خود نماز ۲- جایگاه و مقام به خصوص نماز، که در صورت مستی تا حدی که نمی دانید در محضر حق چه می گوئید، نه تنها حق نزدیک شدن و ورود به نماز را ندارید، بلکه حق وارد شدن در مسجد را نیز ندارید.

«حتی تعلموا ما تقولون» تا این که بدانید چه می گوئید، سخنانتان از اذکار نماز است، یا غیر نماز، که نمازگزار باید بداند الفاظ نماز را درست ادا می کند، و لازم نیست معانی آنها را هم بداند، زیرا در اینصورت باید می فرمود «حتی تعلموا معانی ماتقولون» و بسیاری از مسلمانان غیر عرب معانی الفاظ نماز را نمی دانند. و نمازشان درست است

در این آیت متبرکه بر نسخ خمر حکم گردیده است، اگرچه مفسر شهیر اسلام ابن عباس حرام بودن خمر را از آیت (۶ سوره مائده) وقتاده و مجاهد این آیت تحریم خمر دانسته اند.

برخی مفسرین بدین عقیده که هدف و مقصود این آیت حرام بودن خمر در وقت نماز است ولی فهم این آیت حرام بودن خمر را در خارج نماز را نمی رساند، تا این که حکم قطعی حرام بودن خمر صادر شد، ولی این استدلال شان قابل دقت و بحث است.

ممنوع بودن خمر در اوقات پنجگانه نماز است، اگر دقت نمائیم در خواهیم یافت که زمان اوقات پنجگانه نماز، فاصله ای چندان ندارد، که در این اوقات باید از نوشیدن مشروبات الکحلی باید صرف نظر شود، به علت این که مستی مشروب تا وقت نماز ادامه می یابد، بناءً حکم کرده می توانیم که فحواى این آیت بر تحریم همیشگی و متداوماً حکم نموده است.

دوهمین حکم در این آیت متبرکه همان با طل بودن نماز در حال جنابت است، که در جمله «وَلَا جُنُبًا» بیان شده است.

فقهاء در مَوْجِبَاتِ غُسْلِ می نویسند:

- (انزال)، خروج منی همراه با شهوت چه در بیداری و چه در خواب.
 - (جماع)، آمیزش جنسی با همسر، کسی که با همسرش آمیزش جنسی کند غسل بر او واجب می شود، زیرا رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده است: «الْمَاءُ مِنَ الْمَاءِ». مسلم (۳۴۳). «غسل در اثر انزال واجب است».
 - همچنین اگر کسی آله تناسلی اش را در آله تناسلی زن داخل کند، به گونه ای که قسمت ختنه شده (یا بیشتر از آن) در فرج زن فرو رود، غسل (بر هر دو) واجب می شود، حتی اگر انزال صورت نگیرد، چون پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده است: «إِذَا جَلَسَ بَيْنَ شُعْبَيْهَا الْأَرْبَعِ ثُمَّ جَهَدَهَا فَفَدَّ وَجَبَ الْغُسْلُ». مسلم (۳۴۸). «با آمیزش غسل واجب می شود؛ (اگر چه منی خارج نشود)».
- غسل جنابت بر دو صورت است: صورتی که انجام آن کفایت می کند، صورتی که کامل تر است.

صورتی که انجام آن کفایت می‌کند: مضمضه (آب در دهان انداختن) و استنشاق (آب در بینی انداختن) کند، و بر کل بدنش آب بریزد هر چند که تنها یکبار باشد، و یا آن که به درون آب عمیقی فرو رود. و اما صورتی که کامل تر است: ابتدا شرمگاهش و آثار جنابت که بر بدنش مانده بشوید، سپس وضوء کاملی بگیرد، سپس سه بار بر سرش آب بریزد تا جائی که مطمئن شده آب به پوست سرش رسیده، سپس طرف راست بدنش را بشوید و آنگاه طرف چپش را بشوید». (إعلام المسافرین ببعض آداب وأحكام السفر وما يخص الملاحین الجویین، شیخ محمد بن صالح العثیمین صفحه ۱۱).

سومین حکم فقهی در این آیت مبارکه: بیان یک حکم استثنائی که به جمله «إِلَّا غَابِرِي سَبِيلٍ» بیان شده است مگر این که مسافر باشید. همچنان در این آیت مبارکه بیان حکم تیمم برای معذورین است.

خوانندگان محترم!

خداوند متعال، پاداش بزرگ به کسی می‌دهد که احکام شرعی را با دیده منت بپذیرد، به آن کس که مخالفت ورزد، سخت هشدار می‌دهد.

ادامه دارد